



دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی

(۱۳۱۹-۱۳۱۰)

انتشارات سازمان اسناد ملی ایران

(پژوهشکده اسناد)

(یست و پنجمین سال تأسیس سازمان اسناد ملی ایران)

با همکاری: رستا آذری شهبازی

۱۳۷۲



Iran, and German Experts Immigrants

(1931 - 1940)

Publication of Iran National Archives Organization
(Records Research Center)

On the Occasion of The 25th Year of Iran National Archives
Organization-establishment.

by:

R. Azari Shabrezai

1995

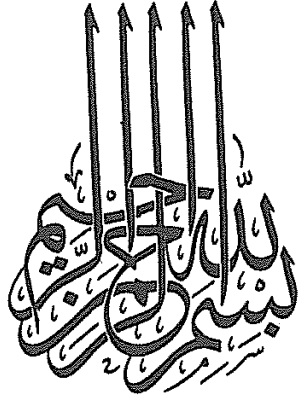


دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی (۱۳۱۹-۱۳۱۰)

انتشارات سازمان اسناد ملی ایران



۱۳



www.KetabFarsi.com

دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی

(۱۳۱۰-۱۳۱۹ ش)

انتشارات سازمان اسناد ملی ایران
(پژوهشکده اسناد)

(بیست و پنجمین سال تأسیس سازمان اسناد ملی ایران)

به کوشش

رضا آذری شهرضایی

۱۳۷۴



www.KetabFarsi.com

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
هفت	فهرست اسناد
هفده	مقدمه
نوزده	پیشگفتار
۱	متن اسناد
۱۲۷	تصویر اسناد
۱۳۹	فهرست اعلام

آذری شهرضایی، رضا، ۱۳۴۲ -
 دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی (۱۳۱۹-۱۳۱۰ ش) / به کوشش رضا آذری
 شهرضایی، - تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۴.
 بیست و شش، ۱۵۰ ص: مصور، نمونه.
 ۱. آلمانیها - ایران، ۲. ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰.
 الف. سازمان اسناد ملی ایران. ب. عنوان
 ۹۵۵/۰۹۱ DSR ۱۴۹۴/۱۳۵۹



نام کتاب : دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی (۱۳۱۹-۱۳۱۰ ش)
 به کوشش : رضا آذری شهرضایی
 ناشر : انتشارات سازمان اسناد ملی ایران (پژوهشکده اسناد)
 محل نشر : تهران (خیابان ولیعصر، بعد از چهارراه طالقانی، خیابان شهید فرهنگ حسینی،
 ساختمان شماره ۳، پلاک ۲۳، کد پستی ۱۵۹۳۶ - تلفن: ۶۴۶۱۹۸۳ - ۶۴۰۴۷۸۱)
 چاپ : سه‌بند
 تاریخ نشر : ۱۳۷۴
 نوبت چاپ : اول
 قطع : وزیری
 تیراژ : ۳۰۰۰ نسخه
 حروفچینی : لیزرچاپ
 لیتوگرافی : آزادی

کلیه حقوق برای سازمان اسناد ملی ایران محفوظ است.

فهرست اسناد

صفحه	عنوان
	سند شماره ۱: طرح پیشنهادی یک یهودی ایرانی مقیم فرانسه در مورد سرمایه‌گذاری مالی و تخصصی انجمن یهود در ایران به شاه و همچنین نمونه گزارشی از فعالیت این انجمن در سایر نقاط جهان
۱۳-۱	سند شماره ۲: نامه وزارت امور خارجه به دفتر مخصوص شاهنشاهی درباره نامه و ترجمه نامه سه متخصص فنی آلمانی
۱۳	سند شماره ۳: درخواست استخدام یک متخصص آلمانی به نام والتر ویزه به رضا شاه
۱۴	سند شماره ۴: درخواست استخدام یک متخصص آلمانی به نام اروین سلر به رضا شاه
۱۵، ۱۴	سند شماره ۵: رد درخواست اروین سلر از طرف رئیس‌الوزرا
۱۵	سند شماره ۶: درخواست ارسال مدارک و گواهی آلفرد و والتر ویزه از طرف رئیس‌الوزرا
۱۶	سند شماره ۷: درخواست یک پزشک متخصص آلمانی مهاجر از سفارت ایران در برلن جهت استخدام در یکی از بیمارستانهای ایران
۱۷، ۱۶	سند شماره ۸: درخواست رئیس صبحیه کل مملکتی از وزارت داخله در مورد استخدام یک پزشک متخصص آلمانی مهاجر به نام دکتر میس که شرایط سهلی را برای استخدام خود پیشنهاد کرده است
۱۸، ۱۷	سند شماره ۹: گزارش رئیس صبحیه کل مملکتی به وزارت داخله مبنی بر ضرورت استخدام پزشکان متخصص مهاجر به علت نیاز بیمارستانهای کشور از خدمات آنها
۱۹، ۱۸	سند شماره ۱۰: انتقال پیشنهاد رئیس صبحیه کل مملکتی از طرف وزارت داخله به ریاست‌الوزرا و اجازه رئیس‌الوزرا به وزارت داخله برای انجام اقدامات لازم جهت استخدام پزشکان مهاجر
۱۹	

- سند شماره ۱۱: گزارش سفارت ایران در بروکسل به وزارت امور خارجه مبنی بر استفاده بهینه دولت ترکیه و کشورهای بالکان از متخصصان پزشکی آلمانی و اعتراض بر قانون مصوبه مجلس به علت ایجاد محدودیت استخدام پزشکان خارجی و تقاضا از دولت جهت تجدید نظر در این قانون ۲۰-۲۲
- سند شماره ۱۲: نامه محمود جم به رئیس‌الوزرا در مورد مشکلات پذیرش مهاجران آلمانی و همچنین پیشنهاد تشکیل کمیونی جهت تصمیم‌گیری در این مورد ۲۲، ۲۲
- سند شماره ۱۳: نامه رئیس‌الوزرا به وزارت معارف مبنی بر امکان‌پذیر نبودن تغییر قانون استخدام اطباء خارجی توسط مجلس و تاکید در حفظ مقام و شخصیت افرادی که در آینده استخدام می‌شوند ۲۳، ۲۴
- سند شماره ۱۴: نامه صحیه کل مملکتی به وزارت امور خارجه درباره عدم مغایرت بین قانون مجلس و طرق بهینه استفاده از اطباء آلمانی مهاجر ۲۴
- سند شماره ۱۵: نظرخواهی وزیر امور خارجه از رئیس‌الوزرا درباره راپرت سفارت ایران در برلن در مورد پذیرش اطباء مهاجر آلمانی و جواب صحیه کل مملکتی به وزارت امور خارجه در مورد مثبت بودن قانون پذیرش اطباء خارجی. همچنین تأیید نظر صحیه کل مملکتی و استقبال از اطباء ماهر توسط رئیس‌الوزرا ۲۵
- سند شماره ۱۶: نظر رئیس‌الوزرا به وزارت داخله درباره مقرون به صرفه بودن استخدام متخصصین آلمانی مهاجر ۲۶
- سند شماره ۱۷: نامه رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی به رئیس‌الوزرا در مورد دعوت از یکی از متخصصین تبعید شده آلمانی به عنوان نماینده جهت مذاکره درباره شرایط آنها و استخدام یک مدیر و یک طبیب برای ریضخانه جدید التاسیس آستان قدس رضوی ۲۶
- سند شماره ۱۸: نامه وزیر معارف به رئیس‌الوزرا درباره موکول کردن متخصصین آلمانی به دانستن زبان فارسی و فرانسه جهت استخدام و تحقیقات لازمه درباره معلومات و تخصص این اشخاص و همچنین دستور رئیس‌الوزرا به وزارت امور خارجه درباره مذاکره نمایندگی‌های سیاسی ایران در اروپا با متخصصین مهاجر و تقاضای فرستادن نماینده منتخبی از خود به ایران ۲۷

- سند شماره ۱۹: نامه رئیس‌الوزرا به رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی مبنی بر اینکه از طریق نمایندگان سیاسی ایران در اروپا از اوضاع و احوال متخصصین اطلاع حاصل و اگر مقتضی باشد از آنها دعوت به عمل آید ۲۸
- سند شماره ۲۰: نامه‌ای از زوربخ به رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی مبنی بر موفقیت دولت ترکیه در ایجاد دانشگاه توسط اساتید آلمانی مهاجر و پیشنهاد ایجاد دانشگاه در ایران با همکاری اساتید آلمانی مهاجر ۲۸، ۲۹
- سند شماره ۲۱: استعلام رئیس‌الوزرا از وزارت معارف درباره استفاده از اساتید مهاجر آلمانی جهت تأمین کادر علمی دانشگاه ۲۹، ۳۰
- سند شماره ۲۲: استعلام محمود جم از رئیس‌الوزرا در مورد چگونگی استخدام متخصصین مهاجر آلمانی ۳۰، ۳۱
- سند شماره ۲۳: اعلام نظر رئیس‌الوزرا به وزارت داخله مبنی بر اینکه پذیرش و استخدام متخصصین پزشکی آلمانی موکول به اعلام نیاز صحیه کل مملکتی شود ۳۲
- سند شماره ۲۴: پاسخ وزیر معارف به استعلام رئیس‌الوزرا درباره تأسیس دانشگاه با به استخدام در آوردن اساتید مهاجر ۳۲، ۳۳
- سند شماره ۲۵: نامه حسن تقی‌زاده به ریاست‌الوزرا در مورد نیاز و تقاضای دفتر مخصوص شاهنشاهی، وزارت معارف، اداره صناعت و فلاحه برای پذیرش چند نفر از متخصصین مهاجر و مذاکره تقی‌زاده با منشی کمیته مهاجرین در این باره ۳۳، ۳۴
- سند شماره ۲۶: درخواست رئیس‌الوزرا از وزارت امور خارجه درباره تهیه سیاهه‌ای از افراد متخصصین مهاجر آلمانی با توجه به میزان معلومات و سابقه اشتغال ۳۴، ۳۵
- سند شماره ۲۷: گزارشی از سفارت ایران در ورشو به وزارت امور خارجه در مورد کمیته‌های مختلفی که متخصصین و دانشمندان مهاجر را تحت پوشش دارند همراه با سیاهه‌ای از متخصصان آلمانی ۳۵، ۳۴
- سند شماره ۲۸: گزارش سنارت ایران در آنکارا به وزارت امور خارجه درباره استفاده دولت ترکیه از متخصصین مهاجر آلمانی به همراه یک نامه از دکتر کتربرگ ۳۵-۳۷

- سند شماره ۲۹: نامه حسن تقی‌زاده به اداره فلاح و صناعت درباره استخدام متخصصین مهاجر برای اداره مذکور ۴۷-۴۹
- سند شماره ۳۰: نامه سفارت ایران در پاریس به رئیس‌الوزرا در خصوص تسریع در استخدام متخصصین مهاجر آلمانی ۴۹-۵۲
- سند شماره ۳۱: گزارش مذاکرات سفارت ایران در پاریس با تعدادی از متخصصین مهاجر آلمانی به رئیس‌الوزرا ۵۲، ۵۳
- سند شماره ۳۲: نامه رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی به رئیس‌الوزرا در خصوص تسریع در استخدام دو متخصص مهاجر آلمانی برای مریضخانه آستان قدس رضوی ۵۳، ۵۴
- سند شماره ۳۳: نامه سفارت ایران در بغداد به وزارت امور خارجه درباره جذب متخصصین مهاجر آلمانی به خصوص اطبا و تاکید بر تغییر قانون مصوبه مجلس جهت سهولت در پذیرش آنها ۵۴، ۵۵
- سند شماره ۳۴: گزارش سفارت ایران در توکیو درباره پذیرش متخصصین مهاجر آلمانی توسط مؤسسات غیردولتی ژاپنی و پیشنهاد آن سفارت در جهت پذیرش بعضی از آن افراد ۵۵، ۵۶
- سند شماره ۳۵: نامه رئیس‌الوزرا به سفارت ایران در پاریس درباره طبای معرفی شده توسط سفارتخانه جهت مریضخانه آستان قدس رضوی ۵۶-۵۸
- سند شماره ۳۶: پیشنهاد و طرح یک دانشگاه در ایران همراه با فهرستی از اساتید ۵۸-۶۳
- سند شماره ۳۷: گزارش سفارت ایران در بروکسل به وزارت امور خارجه در مورد مذاکره با مدیر مجمع مهاجرین آلمانی در بلژیک برای پذیرش بعضی از آنها و تسریع در استخدام سه نفر از افراد معرفی شده ۶۳، ۶۴
- سند شماره ۳۸: نامه حسن تقی‌زاده به اداره فلاح و صناعت در مورد استخدام دکتر ولف و عده‌ای دیگر از متخصصین مهاجر ۶۵
- سند شماره ۳۹: گزارش سفارت ایران در مصر به وزارت امور خارجه در مورد یک جمعیت پزشکی یهودی ۶۶
- سند شماره ۴۰: نامه حسن تقی‌زاده به وزارت معارف در مورد استخدام تعدادی از مهاجرین آلمانی در مدارس عالیه طب و حقوق ۶۷
- سند شماره ۴۱: نامه سفارت ایران در مصر به وزارت امور خارجه در مورد عدم فعالیت جمعیت OSE در مصر ۶۸

- سند شماره ۴۲: گزارش سفارت ایران در بخارست به وزارت امور خارجه در مورد تقاضای یک پزشک متخصص مهاجر آلمانی مقیم رومانی جهت استخدام در ایران ۶۸، ۶۹
- سند شماره ۴۳: نامه رئیس‌الوزرا به وزارت امور خارجه در مورد تعجیل و تسریع در استخدام دو نفر پزشک برای مریضخانه آستان قدس رضوی ۷۰
- سند شماره ۴۴: نامه سفارت ایران در ورشو به وزارت امور خارجه در مورد معرفی و استخدام پروفیسور سادوسکی ۷۰، ۷۱
- سند شماره ۴۵: نامه تقی‌زاده به وزارت امور خارجه در مورد تلاش برای استخدام یک مدیر و یک طبیب جهت مریضخانه آستان قدس رضوی ۷۱
- سند شماره ۴۶: نامه سفارت ایران در برلن در مورد استخدام متخصصین مهاجر آلمانی جهت تعلیم و تربیت و طبابت در ایران و همچنین گزارشی از وضعیت اجتماعی و اقتصادی یهودیان آلمان ۷۱، ۷۲
- سند شماره ۴۷: نامه رئیس‌الوزرا به وزارت امور خارجه در مورد تعیین حقوق ماهانه و خرج سفر دو نفر متخصص مهاجر آلمانی ۷۳
- سند شماره ۴۸: نامه وزیر طرق و شوارع به رئیس‌الوزرا در مورد درخواست استخدام مهندسین مهاجر آلمانی ۷۴
- سند شماره ۴۹: نامه حسن تقی‌زاده به رئیس‌الوزرا در مورد تلاش‌ها و کوشش‌هایش برای به استخدام دو پزشک مهاجر آلمانی ۷۴-۷۶
- سند شماره ۵۰: نامه حسن تقی‌زاده به رئیس‌الوزرا در مورد مذاکره با دو پزشک مهاجر آلمانی و شرایط سنگین آنها جهت استخدام در ایران ۷۷
- سند شماره ۵۱: نامه رئیس‌الوزرا به وزارت امور خارجه درباره استخدام از متخصصین جهت مریضخانه آستان قدس و اجازه استخدام افرادی که شرایط آسانتری دارند ۷۷، ۷۸
- سند شماره ۵۲: نامه رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی به ریاست‌الوزرا در مورد قبول شرایط دو نفر پزشک آلمانی مهاجر برای آستان قدس رضوی ۷۸
- سند شماره ۵۳: نامه تقی‌زاده به ریاست‌الوزرا در مورد شرایط یک پزشک آلمانی مهاجر جهت مریضخانه آستان قدس رضوی ۵۳، ۵۴
- سند شماره ۵۴: نامه رئیس‌الوزرا به وزارت امور خارجه درباره کترات با پزشکان مهاجر آلمانی ۷۹، ۸۰

- سند شماره ۵۵: نامه تقی‌زاده به وزارت امور خارجه درباره شرایط استخدام پزشک مورد درخواست ۸۰
- سند شماره ۵۶: نامه رئیس‌الوزرا به وزارت امور خارجه درباره روانه کردن پزشک مورد نظر به ایران ۸۱، ۸۰
- سند شماره ۵۷: گزارش مذاکرات نمایندگی ایران در جامعه ملل (ژنو) با دکتر بودرو کفیل اداره صحیه جامعه ملل درباره استخدام پزشک متخصص برای مریشخانه آستان قدس رضوی ۸۲، ۸۱
- سند شماره ۵۸: نامه وزیر امور خارجه به ریاست‌الوزرا در مورد انصراف پزشک مهاجر آلمانی جهت مدیریت مریشخانه آستان قدس رضوی ۸۳
- سند شماره ۵۹: نامه وزیر امور خارجه به رئیس‌الوزرا مبنی بر قول کمیته مهاجرین آلمانی جهت فرستادن یک پزشک برای مریشخانه آستان قدس رضوی ۸۴، ۸۳
- سند شماره ۶۰: نامه وزیر امور خارجه به رئیس‌الوزرا در مورد تلاش سفارت ایران در پاریس برای استخدام یک نفر پزشک جهت مریشخانه آستان قدس رضوی ۸۴
- سند شماره ۶۱: نامه وزیر امور خارجه به ریاست‌الوزرا در مورد شرایط پزشک استخدام شده ۸۵، ۸۴
- سند شماره ۶۲: معرفی پروفیسور هامرشلاک توسط وزیر امور خارجه به ریاست‌الوزرا ۸۶
- سند شماره ۶۳: نامه وزیر امور خارجه به ریاست‌الوزرا درباره حرکت پزشک استخدام شده به ایران ۸۷، ۸۶
- سند شماره ۶۴: نامه رئیس‌الوزرا به وزارت امور خارجه درباره مورد قبول واقع شدن کترات پروفیسور هامرشلاک و استخدام افراد بیشتر ۸۷
- سند شماره ۶۵: نامه ریاست‌الوزرا به سلمان اسدی در مورد خرج سفر پروفیسور هامرشلاک ۸۸
- سند شماره ۶۶: نامه سفارت ایران در برلن به وزیر امور خارجه در مورد تمایل یک پروفیسور شیمی جهت تدریس در دانشگاه تهران ۸۹، ۸۸
- سند شماره ۶۷: جواب وزیر معارف و اوقاف به وزارت امور خارجه مبنی بر رد درخواست پروفیسور سابالیچکا ۸۹

- سند شماره ۶۸: گزارش وزارت امور خارجه در مورد شرایط پروفیسور ملخیور جهت کار در ایران ۹۱، ۹۰
- سند شماره ۶۹: نامه از ریاست‌الوزرا به وزارت امور خارجه درباره تحقیق از وضعیت تخصصی پروفیسور ملخیور ۹۱
- سند شماره ۷۰: نامه وزیر مختار ایران در برلن به وزارت امور خارجه و رد صلاحیت تخصصی پروفیسور سالفرت ۹۲
- سند شماره ۷۱: نامه قونسولگری ایران در فلسطین به وزارت امور خارجه درباره درخواست وزارت معارف مبنی بر تحقیق از وضعیت متخصصین مهاجر آلمانی و امکان جذب آنها به ایران ۹۳، ۹۲
- سند شماره ۷۲: نامه قونسولگری ایران در فلسطین به وزارت امور خارجه در مورد درخواست استخدام یک مهندس مهاجر آلمانی به نام ژورژ هلس ۹۳
- سند شماره ۷۳: نامه وزیر معارف و اوقاف به وزیر امور خارجه در مورد استخدام یک مهاجر آلمانی ۹۴
- سند شماره ۷۴: متحدالمال وزارت امور خارجه در مورد اجازه ورود و اقامت متخصصان مهاجر آلمانی به ایران توسط هیأت دولت ۹۵، ۹۴
- سند شماره ۷۵: نامه والی ایالت خراسان به اداره کل بهداشت در مورد استخدام پزشکان جوان مهاجر آلمانی مقیم فلسطین ۹۵
- سند شماره ۷۶: جواب رئیس‌الوزرا به والی خراسان درباره شرایط پذیرش پزشکان جوان مهاجر آلمانی ۹۶
- سند شماره ۷۷: نامه سفارت ایران در رم به وزارت امور خارجه درباره درخواست دکتر لئونارد آدلر جهت استخدام ۹۷، ۹۶
- سند شماره ۷۸: نامه وزیر طرق به وزارت امور خارجه مبنی بر رد درخواست دکتر لئونارد آدلر ۹۷
- سند شماره ۷۹: نامه وزارت امور خارجه به رئیس‌الوزرا در مورد طرح کمک به پناهندگان آلمانی که توسط جامعه ملل به وزارت امور خارجه فرستاده شده است و رد آن توسط وزارت امور خارجه و درخواست اعلام نظر از رئیس‌الوزرا در این مورد ۱۰۰-۹۸
- سند شماره ۸۰: نامه قونسولگری ایران در ازمیر به وزارت امور خارجه در مورد اظهارات وزیر اسبق ترکیه به نام صبری طویراق درباره رد درخواست متخصصین مهاجر آلمانی جهت تابعیت ۱۰۱، ۱۰۰

- سند شماره ۸۱: نامه رئیس‌الوزرا به وزارت امور خارجه در مورد رد طرح ارسال
جامعه ملل درباره پناهندگان مهاجر آلمانی ۱۰۱
- سند شماره ۸۲: نامه برنارد ریمالت تجار مهاجر آلمانی به وزیر امور خارجه
جهت اجازه اقامت در ایران ۱۰۳، ۱۰۲
- سند شماره ۸۳: نامه استاندار خراسان به رئیس‌الوزرا در مورد فواید استخدام
متخصصین مهاجر آلمانی و پذیرش آنها در ایران و تقدیر از
پروفسور هامر شلاک به علت خدمات او ۱۰۴، ۱۰۳
- سند شماره ۸۴: نامه کفیل وزارت امور خارجه به رئیس‌الوزرا در مورد پاسخ به
دبیرخانه جامعه ملل و رد درخواست جامعه ملل در مورد
پناهندگان مهاجر آلمانی ۱۰۵، ۱۰۴
- سند شماره ۸۵: نامه رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی به رئیس‌الوزرا در مورد رد
درخواست استاندار خراسان درباره جلب پزشکان جوان مهاجر
آلمانی توسط شاه ۱۰۵
- سند شماره ۸۶: نامه رئیس‌الوزرا به ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی مبنی بر رد
طرح جامعه ملل درباره پذیرش پناهندگان آلمانی توسط هیأت
دولت ۱۰۷، ۱۰۶
- سند شماره ۸۷: دستور شاه به رئیس‌الوزرا و قدغن نمودن الحاق ایران به قرارداد
پذیرش پناهندگان آلمانی ۱۰۷
- سند شماره ۸۸: نامه سفارت ایران در رم به وزارت امور خارجه درباره اعلام نظر
موضعگیری ایران در قبال مهاجران آلمانی و اطریشی ۱۰۸
- سند شماره ۸۹: نامه نادر آراسته از برلن به وزارت امور خارجه در مورد
موضعگیری دولت آلمان در قبال یهودی‌ها و لزوم دقت دولت
ایران در جذب متخصصان مهاجر آلمانی ۱۱۰-۱۰۸
- سند شماره ۹۰: دستور رئیس‌الوزرا به وزارت امور خارجه مبنی بر اینکه فقط به
کسانی که دارای سرمایه هستند اجازه اقامت داده شود ۱۱۰
- سند شماره ۹۱: نامه رئیس‌الوزرا به دفتر مخصوص شاهنشاهی در مورد
نظرخواهی از شاه درباره پذیرش مهاجرین آلمانی و اطریشی ۱۱۱، ۱۱۰
- سند شماره ۹۲: نامه رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی به رئیس‌الوزرا مبنی بر
اعلام نظر شاه در مورد اینکه فقط به کسانی که دارای سرمایه و یا
صنعت و یا علم هستند اجازه اقامت داده شود ۱۱۱

- سند شماره ۹۳: دستور رئیس‌الوزرا به وزارت امور خارجه که فقط کسانی که
دارای سرمایه و صنعت یا تخصص هستند همراه با تحقیقات
لازم دعوت شوند. ۱۱۲
- سند شماره ۹۴: نامه سفارت ایران در بغداد به وزارت امور خارجه درباره
تقاضای یک آلمانی مهاجر به نام دکتر رالف جهت اشتغال به
کار پزشکی در ایران ۱۱۲
- سند شماره ۹۵: نامه نخست‌وزیر به وزارت فرهنگ درباره ارزشیابی گواهینامه‌ها
و معلومات دکتر رالف ۱۱۳
- سند شماره ۹۶: نامه وزیر کشور به نخست‌وزیر درباره درخواست پنجاه نفر
مهاجر اتریشی جهت اقامت در ایران ۱۱۴، ۱۱۳
- سند شماره ۹۷: نامه نخست‌وزیر به رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی درباره
درخواست مهاجران اتریشی ۱۱۵
- سند شماره ۹۸: نامه وزارت فرهنگ به نخست‌وزیر درباره ارزشیابی مدارک
دکتر رالف ۱۱۶، ۱۱۵
- سند شماره ۹۹: نامه استاندار نهم به وزیر پیشه و هنر درباره استخدام سه نفر
متخصص مهاجر برای صنعت چرمسازی ۱۱۷، ۱۱۶
- سند شماره ۱۰۰: نامه وزیر پیشه و هنر به نخست‌وزیر درباره درخواست آقای
پاکروان جهت استخدام سه نفر متخصص پوستهای نرم و دباغ
سند شماره ۱۰۱: نامه سفارت ایران در برلن به وزارت امور خارجه درباره
درخواست یک کاپیتان کشتی جهت استخدام در خط کشتیرانی
ایران ۱۱۹، ۱۱۸
- سند شماره ۱۰۲: نامه رئیس‌الوزرا به دفتر مخصوص شاهنشاهی درباره اجازه
استخدام سه نفر متخصص مهاجر جهت صنعت چرمسازی ۱۱۹
- سند شماره ۱۰۳: نامه رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی به نخست‌وزیر مبنی بر
دستور استخدام سه نفر متخصص مهاجر توسط شاه ۱۲۰
- سند شماره ۱۰۴: نامه نخست‌وزیر به وزارت پیشه و هنر و دستور اجازه استخدام
به سه نفر متخصص مهاجر جهت صنعت چرمسازی ۱۲۱، ۱۲۰
- سند شماره ۱۰۵: نامه وزیر امور خارجه به نخست‌وزیر درباره نامه یک متخصص
رنگ‌ساز آلمانی جهت استخدام در صنعت رنگ‌سازی کشور ۱۲۱
- سند شماره ۱۰۶: نامه نخست‌وزیر به وزارت امور خارجه مبنی بر اینکه صدور
ویزا به آقای لئوپولد کاراش منوط به ارزشیابی مدارک او باشد ۱۲۲

- سند شماره ۱۰۷: نامه سفارت ایران در سویس به وزارت امور خارجه در مورد تحقیقات از حال سه نفر متخصص مهاجر که جهت صنعت چرمسازی خواسته شده بود ۱۲۲، ۱۲۳
- سند شماره ۱۰۸: دستور نخست وزیر به وزیر امور خارجه که به سفارت ایران در برلن اطلاع دهند درباره سه نفر متخصص مهاجر تحقیقات نماید ۱۲۳
- سند شماره ۱۰۹: نامه وزیر امور خارجه به نخست وزیر درباره تحقیقات از وضعیت سه نفر متخصص مهاجر ۱۲۴
- سند شماره ۱۱۰: نامه نخست وزیر به وزارت پیشه و هنر مبنی بر رفع مانع در استخدام سه نفر متخصص مهاجر که برای صنعت چرمسازی خواسته شده است ۱۲۴
- سند شماره ۱۱۱: درخواست یک مهاجر آلمانی به نام دکتر ه بریمر متخصص امور کشاورزی جهت استخدام در اداره کل کشاورزی ۱۲۵، ۱۲۶
- سند شماره ۱۱۲: نامه رئیس کل کشاورزی به وزیر امور خارجه درباره تحقیقات در مورد آقای دکتر ه. بریمر ۱۲۶

مقدمه

ارزش هر اثر تاریخی بستگی تام به میزان اتکای آن بر اسناد دارد و آنانکه دستی در کار پژوهش دارند خوب می دانند که از رهگذر دست یافتن به سند و مدرک است که بر غنا و اعتبار نوشته خود می افزایند.

اثری محققانه است که بر منابع محکم تر و اسناد دست اول استوار باشد. اسناد محکم و دست اول اسنادی است که یا حاصل مشاهده شخصی و مصاحبه حضوری و یا عمدتاً آثار مکتوبی است که مستقیماً بدست پدید آورندگان و تولیدکنندگان بوجود آمده باشد. هرگونه استدلالی که بر پایه سند باشد معتبر و آنچه بی سند است و یا دارای سندی ضعیف است مخدوش و غیر قابل اعتنا است.

در تحقیقات تاریخی کشورمان که نقاط مبهم و ناروشن فراوان و اغراض گوناگون افراد در تحریف واقعیات نقش بسیار داشته است یافتن سندهای اصلی، کاری بزرگ و خدمتی شایسته برای روشن نمودن حقایق است. این اسناد نه فقط در مقوله تاریخی معتبرند، بلکه در همه زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و آموزشی کاربرد فراوان دارند و قابل استنادند. سازمان اسناد ملی ایران بلحاظ رسالت قانونی خود که موظف است اسناد را کد همه ادارات دولتی را با همه تنوع وظایف، ارزیابی، گزینش، حفظ و حراست و یا امحا نماید و شرایط لازم را برای بازیابی مواد خام پژوهش فراهم کند، چندین سال است که تلاش هایی را جهت حفظ، بازیابی و انتشار اسناد کشور، آغاز کرده و برای اینکه تعداد بیشتری از دانش پژوهان استفاده برند

به انتشار بدون دخل و تصرف اسناد خود اقدام نموده است. لیکن از آنجا که هم نیازهای جامعه علمی روزافزون است و هم حجم اسناد دولتی دائم‌التزاید، انجام کوششی فزوتتر ضروری بود. بر این اساس مؤسسه مطالعات و تحقیقات آرشیوی "پژوهشکده اسناد" با مجوز وزارت فرهنگ و آموزش عالی تشکیل شده و بر آن است تا با همکاری پژوهشگران کارآمد بیش از پیش در راستای انجام بهتر وظایف سازمان گام بردارد.

اثری که پیش رو دارید به‌عنوان سومین نشریه پژوهشکده اسناد محصول تلاش برخی از این پژوهشگران است که در ضمن انتشارات سازمان اسناد ملی ایران به چاپ می‌رسد. ما در آغاز راهیم و بذل عنایت پژوهندگان و تذکار لازم آنان بر استواری گامهای ما می‌افزاید.

پژوهشکده اسناد

پژوهشکده اسناد، یک مؤسسه علمی و پژوهشی است که در راستای انجام وظایف سازمان اسناد ملی ایران، با مجوز وزارت فرهنگ و آموزش عالی تشکیل شده است. این مؤسسه با هدف انجام تحقیقات علمی و پژوهشی در زمینه‌های مختلف اسناد، کتابخانه‌شناسی، آرشیولوژی، تاریخ اسناد و سایر موضوعات مرتبط با اسناد و کتابخانه‌ها فعالیت می‌کند.

پژوهشکده اسناد، دارای یک هیئت مدیره و یک هیئت مدیره فنی است. هیئت مدیره فنی، مسئولیت‌های علمی و پژوهشی مؤسسه را بر عهده می‌گیرد و هیئت مدیره، مسئولیت‌های اجرایی و اداری را بر عهده می‌گیرد. پژوهشکده اسناد، دارای یک دفتر مرکزی در تهران و یک دفتر منطقه‌ای در مشهد است.

پژوهشکده اسناد، دارای یک مجله علمی و پژوهشی است که به نام "مجله علمی پژوهشی پژوهشکده اسناد" منتشر می‌گردد. این مجله، دارای یک هیئت تحریریه و یک هیئت داوران است. مجله، دارای یک دفتر تحریر و یک دفتر داوران است. مجله، دارای یک دفتر انتشارات و یک دفتر توزیع است.

پژوهشکده اسناد، دارای یک کتابخانه تخصصی است که به نام "کتابخانه تخصصی پژوهشکده اسناد" نام دارد. این کتابخانه، دارای یک هیئت مدیره و یک هیئت مدیره فنی است. هیئت مدیره فنی، مسئولیت‌های علمی و پژوهشی کتابخانه را بر عهده می‌گیرد و هیئت مدیره، مسئولیت‌های اجرایی و اداری را بر عهده می‌گیرد.

پیشگفتار

اسناد گردآمده در این مجموعه از سوی نشانگر تلاش متخصصان یهودی آلمان، برای گریختن از آلمان هیتلری و پناه گرفتن در ایران است و از سوی دیگر بیانگر کوشش سیاستمدارانی مانند سید حسن تقی‌زاده، حسنعلی غفاری و فتح‌اله پاکروان، برای جذب این متخصصان به ایران است. اما پیش از ارائه توضیح بیشتر درباره این اسناد برای فهم انگیزه یهودیان متخصص از درخواست مهاجرت به ایران، لازم است اشاره‌ای به وضع یهودیان در اروپا و موضع آلمان هیتلری در برابر آنان شود.

کشورهای وسیع یهودیان در اروپای غربی در قرون وسطی^۱ و سیاستهای یهودآزاری در آن خطه که در محاکمه آلفرد دریفوس^۲، افسر ارتش فرانسه به جرم جاسوسی تجلی بارز یافت و نیز کشتار یهودیان در روسیه طی سده نوزده و اوایل سده بیست زمینه‌ای بود که جنبش صهیونیست‌ها به‌خوبی از آن بهره گرفت. اینان به‌عنوان گروهی از جامعه یهود بیشترین استفاده را از سیاست‌های یهودآزاری در جهت تشویق مهاجرت یهودیان به‌نواحی مختلف امریکای شمالی، امریکای لاتین و خاور میانه و در نهایت ایجاد یک کشور یهودی کردند. این گفته "ترل" که «ضد یهودیان مطمئن‌ترین دوستان ما، و کشورهای ضد یهود، متحدان بالقوه ما خواهند شد.»^۳ در مورد قصد صهیونیست‌ها برای بهره‌برداری از زمینه موجود آمده بر اثر اتخاذ سیاست‌های یهودآزاری در اروپا کاملاً گویاست. کنگره مورخ ۲۷ اوت ۱۸۹۷ در بال سوئیس نقطه عطف سیاست‌های صهیونیسم برای ایجاد یک

۱- رجوع کنید: ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ششم: اصلاح دینی، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۸۵۰-۸۸۴.

۲- رجوع کنید: هنری و. لیتل فیلد، تاریخ اروپا از سال ۱۸۱۵، به‌عنوان ترجمه فریده قرچه‌داغی (صحیحی)، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۱، ص ۱۱۱.

۳- روزه گارودی، ماجرای اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه دکتر منوچهر بیات مختاری، ناشر آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۱.

کشور بود. با پیروزی حزب ناسیونال سوسیالیسم در انتخابات و منصوب شدن آدولف هیتلر به مقام صدر اعظمی آلمان در ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳، سیاست یهود آزاری به طور گسترده‌ای توسط نازی‌ها در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آغاز شد. به نوشته شایرر «در نخستین سال پیدایش رایش سوم، ۱۹۳۳. یهودیان از ادارات دولتی، مشاغل کشوری، روزنامه‌نگاری، رادیو، کشاورزی، معلمی، سینما و تئاتر طرد شدند. در ۱۹۳۴ از بورسها بیرونشان کردند و با آنکه تحریم مربوط به اشتغال آنان در حرفه‌های حقوقی و پزشکی و بازرگانی تا سال ۱۹۳۸ صورت قانونی نیافت، هنگامی که نخستین چهار سال زمامداری نازی‌ها به پایان آمد، یهودیان از این رشته‌ها عملاً اخراج شده بودند»^۱.

این فشارهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی توأم با سلب حقوق شهروندی و اخراج یهودیان از آلمان بوده است. «اخراج یهودیان از کشورهای مشترک‌المنافع آلمان با قانون ملیت ۱۵ سپتامبر ۱۹۳۵ [نورنبرگ] شروع شد که بین اتباع دولت و شهروندان رایش فرق می‌گذاشت. اتباع دولت کسانی بودند که به اتحادیه حمایتی رایش آلمان تعلق داشتند و شهروندان، افراد آلمانی یا کسانی بودند که خون نژادی مشابهی داشتند و با رفتار خود نشان می‌دادند که می‌خواهند و می‌توانند با صداقت و وفاداری به مردم آلمان و رایش خدمت کنند. تنها افرادی که به موجب منشور شهروندی، شهروند شناخته می‌شدند از حقوق سیاسی برخوردار بودند»^۲. این که ریشه‌های دینی، اقتصادی و سیاسی یهود آزاری (آنتی سیمیتیزم) چه بوده است از حوصله این مقدمه خارج است، ولی می‌توان گفت یهود آزاری دستاویزی بود برای توجیه شکست‌ها، تجاوزطلبی‌ها و برتری‌طلبی‌ها، دستاویزی که همواره باید حضور داشته باشد. «وقتی که از هیتلر پرسیده شد آیا به نظر او باید قوم یهود نابود شود؟ او پاسخ داد: نه... در آن صورت باید دوباره آن‌ها را به وجود آوریم. داشتن یک دشمن قابل لمس، و نه صرفاً یک دشمن خیالی، ضروری است»^۳. مهاجرت شاید تنها راهی بود که می‌توانست این فشار عظیم بر یهودیان را کاهش دهد، گروه‌ها و تشکیلات مختلف یهودی دست اندرکار این جریان بودند که فعالترین آن‌ها صهیونیست‌ها بودند. «سازمان جهانی صهیونیست‌ها طی سالهای حکومت هیتلر دفتری در برلن تأسیس کرد و از طریق این دفتر موجبات مهاجرت صدها هزار یهودی را به فلسطین فراهم ساخت. مدیر این دفتر در اوایل حکومت هیتلر یکی از صهیونیست‌های سرشناس به نام لوی اشکول بود که بعدها (از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۹) به مقام نخست‌وزیری اسرائیل رسید»^۴. مقامات آلمان نازی در این جهت با صهیونیست‌ها مساعدت داشتند. «هاینتس هومنه با نقل شواهد مستند نوشت: فن میلدن اشتاین رئیس دایره ۱۶-۱۱ (امور مربوط به یهودیان) در کمک به سازمانهای صهیونیستی در

زمینه تأسیس و تشکیل اردوگاه‌های آموزشی جهت تعلیم مجدد یهودیان جوان برای کار در کیوتس‌های فلسطین از بذل هرگونه کوشش فروگذار نمی‌کرد. این اردوگاه‌های آموزشی متعاقب توافقی که بین فرستادگان صهیونیست و آدولف آیشمن به عمل آمد در آلمان نازی تأسیس یافت.^۱ همچنین گروه‌ها و تشکیلات مختلفی هم وجود داشت که متخصصین ماهر و بی‌کار یهودی آلمانی را به نواحی مختلف جهان می‌فرستادند اهم این گروه‌ها عبارتند از: کمیته بین‌المللی وابسته به جامعه ملل در ژنو، جمعیتی به نام OSE، گروهی به نام Academie Assistance Council و گروهی که توسط پروفیسور آلبرت ایشتن در لندن تشکیل شده بود که همه دست اندرکار مهاجرت بودند. (ر. ک: به سند شماره ۲۶) شاید بتوان گفت بیشترین شانس برای مهاجرت را متخصصان و کسانی که دارای قدرت مالی خوبی بودند، داشتند. امریکا و ترکیه (ر. ک: به سند شماره ۸۰) از جمله کشورهایی بودند که کوشش آن‌ها تنها معطوف به جذب متخصصان یهودی بود. ایالات متحده امریکا که احتمالاً بیشترین استفاده را از مهاجرت متخصصان یهودی برده است، سخت مانع مهاجرت غیرمتخصصان یهود می‌شد. آرتور کوستلر در مقاله‌ای در نقد نحوه برخورد ایالات متحده امریکا با مهاجران یهودی می‌نویسد: در آن زمان نازی‌ها علاقه زیادی داشتند که اجازه دهند یهودیان از آلمان خارج شوند، اما سایر کشورهای جهان حاضر نبودند که دروازه‌های خود را برای همه یهودیان بخت برگشته به‌جز یک اقلیت به اصطلاح نخبه، بگشایند. در سه سال اول دوران حکومت نازیسم تنها یازده هزار یهودی مهاجر به داخل ایالات متحده راه یافتند، هر چند سهمیه ویژه‌ای که برای مهاجرین یهود در نظر گرفته شده بود به ۴۵۰ هزار تن از آن‌ها اجازه ورود می‌داد و قسمت عمده‌ای از سهمیه مجاز خالی بود. وی می‌افزاید علیرغم تلاش نیروهای لیبرال امریکا و روزولت و برگزاری کنفرانسی با شرکت ۲۲ کشور به نام کنفرانس Evian-Les-Bains باز هم نتوانستند تصمیمی در مورد یهودیان بگیرند. وی موضوع دولت‌ها را قبل از جنگ کاملاً انفعالی می‌داند و آن‌گونه تلاشها را تبلیغی دانسته است. همچنین به نقل از هیتلر می‌نویسد که او با نوعی شادمانی اظهار کرد ما حاضریم همه این جنایتکاران را حتی سوار کشتی لوکس کنیم و به این کشورها بفرستیم، اما کسی آن‌ها را نمی‌خواهد. کوستلر در ادامه سخن خود با ذکر دلایل مختلف، بهانه‌جویی‌های ایالات متحده امریکا را بیشتر، شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت دانسته و در پایان نقش ایالات متحده امریکا و رژیمهای دموکراسی غربی را با نقش آلمان نازی در قتل عام یهودیان مساوی دانسته است.^۲ البته باید توجه داشت که ظاهراً حتی مهاجرت متخصصان یهودی به کشورهای دیگر به‌سادگی صورت نمی‌گرفت. برای یهودیان گریز از آلمان مهمترین مسأله بود و به هر کشوری که به آنان پناه می‌داد می‌رفتند.

بخشی از سیاستهای دولت ایران در طی سالهای ۱۳۱۹-۱۳۱۰ متأثر از این واقعه بین‌المللی یعنی،

۱- بوری ابوانف، صهیونیسم، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۲۵۳۶، ص ۱۳۰.

2- ARTHUR KOESTLER, The Heel of ACHILLES, London: Picador, 1973, P. 54-58.

۱- ویلیام شایرر، ظهور و سقوط رایش سوم، ترجمه کاوه دهگان، ۲ ج، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۸۲.

۲- فرانتس یومان، ساختار و عملکرد ناسیونال سوسیالیسم (بیموت)، ترجمه محمد رضا سوداگر، تهران، ناشر دنیا، مادر، ص ۱۴۸.

۳- اریک هافر، پیرو راستین، ترجمه فیروزه خلعتبری، تهران، انتشارات شایوین، ۱۳۷۲، ص ۱۶۷.

۴- محمود طلوعی، تاریخ و تصویر، تهران، انتشارات علم، ص ۴۲۶.

سازمان
نهارها
از ایران
وین
دستوری
۱۳۱۰

همچنین اسناد شماره ۳۰۲، ۴، ۵ و ۶ مربوط به سال ۱۹۳۱ هستند که هنوز هیتر در آلمان قدرت نگرفته بود و به نظر می‌رسد در این سال درخواستهای مهاجرت، بیشتر متأثر از بحران اقتصادی آلمان بوده است. از این رو با سایر اسناد این مجموعه تفاوت دارند، اما برای ارائه نمونه‌ای از انگیزه‌های مختلف درخواست مهاجرت، در این مجموعه جای گرفتند.

چنان که گفتیم پس از روی کار آمدن هیتر و افزایش فشار بر یهودیان، آنان به مهاجرت از آلمان تمایل یافتند و برای گرفتن اجازه اقامت در کشور ما و برای این که با درخواست اقامتشان موافقت بشود پیشنهادهای خوبی ارائه می‌دادند. از جمله آن پیشنهادها، یکی پیشنهاد تأسیس دانشگاه در ایران بود و تعهد شد که کادر هیأت علمی آن را مهاجران متخصص آلمانی تأمین کند. (ر. ک: به سندهای ۲۱، ۲۲، ۲۶، ۲۸، ۳۴ و ۳۶) اسامی اساتید و رشته‌های علمی که در آن تخصص دارند و می‌توانند آن را آموزش دهند در سندهای ۲۷ و ۳۶ همراه طرح ایجاد یک دانشگاه موجود است؛ نظیر این پیشنهاد به دولت ترکیه هم شد و دولت ترکیه از این فرصت استفاده کرد و دانشگاهی در اسلامبول تأسیس کرد که اساتید آن از مهاجران متخصص آلمانی بوده‌اند. همچنین آن دولت، متخصصانی را که در بخشهای مختلف صنایع و کشاورزی احتیاج داشت با حقوق ماهانه قابل ملاحظه‌ای استخدام کرد. (ر. ک: اسناد ۱۱، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۷ و ۸۰).

در تقاضاهای زیادی که از طرف پزشکان متخصص یهودی آلمانی ارائه شده آنان شرایط مناسبی برای آمدن به ایران پیشنهاد کرده‌اند. از جمله این شرایط یکی دریافت حقوق اندک بود و دیگر وعده آوردن کلیه وسایل پزشکی لازم به ایران که در آن زمان کشور به آن ابزار نیاز داشت. (ر. ک: به سندهای ۷، ۸، ۹ و ۱۰) با وجود این با تصویب قانونی در مجلس مانعی در راه طبابت خارجیان ایجاد شده بود. البته تصویب این قانون مورد اعتراض سفیر ایران در بروکسل قرار گرفت. او ضمن نامه‌ای درخواست کرد این موانع رفع شود و هرچه زودتر در جذب پزشکان متخصص کوشش به عمل آید. (ر. ک: سند ۱۱) هر چند صحت کلی مملکتی در نامه‌ای به وزارت امور خارجه، قانون تصویب شده را مغایر با سیاست جذب متخصصین نمی‌دانست. (ر. ک: سند ۱۴) وزیر امور خارجه در این باره از رئیس‌الوزرا استعلام کرد و رئیس‌الوزرا نظر داد که باید «رویه‌ای میانه بین تشویق و منع» اتخاذ شود. (ر. ک: سند ۱۵) رئیس‌الوزرا در سند دیگری استخدام آن‌ها را مقرون به صرفه و صلاح می‌داند. (ر. ک: سند ۱۶) ولی در جواب محمود جم که سبب‌های از اسامی پزشکان و داروسازان و دندانپزشکان را جهت استخدام فرستاده بود، ابتدا می‌گوید: از صحت مملکتی سؤال شود و در انتها اظهار می‌کند که «دواساز کلیمی» به اندازه کافی در ایران موجود است و صلاح نیست از خارجه بیاوریم. (ر. ک: اسناد ۲۶ و ۲۷) به نظر می‌رسد که دولت‌مردان ایران در سالهای ۱۳۱۲، ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ سیاست منسجم و همگونی نسبت به این واقعه نداشتند و به همین دلیل نمی‌توانستند تصمیم‌گیری درستی در مقابل آن داشته باشند. (ر. ک: سند ۱۷)

مقارن با ساخته شدن مریم‌خانه آستان قدس، حسین شکوه‌الملک، رئیس دفتر مخصوص

شاهنشاهی از رئیس‌الوزرا درخواست کرد که از نمایندگی‌های سیاسی ایران در کشورهای مختلف درخواست شود دو نفر پزشک را استخدام کنند. برای استخدام این دو نفر ماه‌ها مکاتبه شد، ولی روند نامه‌نگاری و محتوای نامه‌ها حاکی از تعلل دولت‌مردان می‌باشد؛ حتی بر سر مسایلی مثل هزینه ایاب و ذهاب به ایران هم نامه‌های متعدد رد و بدل می‌شده است. (ر. ک: اسناد ۱۷، ۱۹، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۹ و ۶۰) سرانجام بنا به محتوای سندهای ۵۷ و ۵۸ برای استخدام دو پزشک از طریق نمایندگی ایران در جامعه ملل اقدام شد، اما این کوشش نیز نافرجام ماند و سرانجام آن‌گونه که در سندهای ۶۱ و ۶۲ می‌بینیم در سال ۱۳۱۳ دکتر هاسر شلاک برای اداره آن مریم‌خانه استخدام شد و خدمات چندی به‌انجام رساند.

در آبان ماه ۱۳۱۶ هیأت دولت طرح جامعه ملل را که متضمن تعهدات حقوقی و اقتصادی دولتها در قبال مهاجران بود رد کرد، اما به جهت درخواستهای متعددی که برای مهاجرت به ایران به نمایندگی‌های سیاسی ایران در اروپا شده بود، (ر. ک: اسناد شماره ۸۸، ۹۱، ۹۴، ۹۶ و ۹۷) به دستور رضا شاه و تصویب هیأت دولت تصمیم گرفته شد که متخصصین مهاجر آلمانی جذب شوند و همچنین علاوه بر آن تصمیم گرفته شد به آثانی که دارای سرمایه هستند - یا تاکید بر این که تحقیقات لازمه درباره آن‌ها بشود - اجازه ورود به ایران داده شود. (ر. ک: اسناد شماره ۷۴، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳ و ۱۰۶) لذا این طور به نظر می‌رسد که دولت نمی‌خواست نسبت به یک پیمان بین‌المللی متعهد بوده باشد. با این همه به نظر می‌رسد سر درگمی دولت برای اتخاذ یک سیاست مشخص در این مورد حتی با تصویب تصویب‌نامه هم پایان نیافته است چرا که پیر و سیاست جذب متخصص اجازه استخدام سه نفر مهاجر متخصص در چرم‌سازی و دباغی بنا به توصیه دکتر هاسر شلاک و درخواست پاکروان استاندار خراسان جهت تولید چرم و پوست در استان خراسان صادر می‌شود. (ر. ک: اسناد ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹ و ۱۱۰) نکته قابل تأمل در این مورد این است که حسین شکوه‌الملک توصیه رضا شاه را مبنی بر این که تحقیق شود این سه نفر جزو جمعیت حزبی حکومت آلمان نباشند به نخست وزیر تذکر می‌دهد. (ر. ک: سند ۱۰۳) نخست‌وزیر از وزیر امور خارجه می‌خواهد در این باره تحقیق شود. (ر. ک: سند ۱۰۸) و وزیر امور خارجه در جواب نخست‌وزیر می‌نویسد: «چون این سه یهودی هستند عادتاً جزو حزب نازی آلمان نتوانند بود و بلکه با این رفتار آلمان‌ها نسبت به یهود، مخالف حزب نازی هستند.» وی ضمناً مشخص کردن مرام و مسلک آن‌ها را مشکل دانسته است. این توصیه رضا شاه یا حاکی از آن است که او هیچ درکی از نظام بین‌المللی و مسایل آن نداشته و با درخواستهای مهاجرت یهودیان را توطئه آمیز ارزیابی می‌کرده است.

به‌عنوان نتیجه باید گفت به‌طور کلی نوعی تردید و تعلل در تصمیم‌گیری نسبت به این واقعه بین‌المللی در ابتدا وجود داشته و به مرور بعد از مکاتبات زیادی که نمایندگی‌های سیاسی با دولت وقت نموده‌اند تصمیمی مشخص درباره آن گرفته شد و آن زمانی بود که فرصتهای مناسب از دست رفته بود. اطلاعات چندانی از تعداد این متخصصین مهاجر در ایران نیست. این که جذب این متخصصین

توسعه و توسعه

به‌عنوان اولین تجربه تا چه حدی در توسعه اقتصادی ایران مؤثر بوده، یا اگر ایران از یک سیاست منسجم درباره توسعه اقتصادی برخوردار بود و می‌توانست استفاده بیشتری از این فرصت بکند، پیامدهای سیاسی، اقتصادی آن چه می‌بود، سؤالاتی است که برای پاسخ دادن به آن احتیاج به اطلاعات بیشتری است.

گردآوری اسناد این مجموعه بدون یاری‌ها و مساعدتهای ریاست محترم سازمان اسناد ملی ایران جناب آقای مهندس شهرستانی و ریاست محترم پژوهشکده اسناد جناب آقای غلامرضا فدایی عراقی و سرکار خانم فاطمه قاضی‌ها معاونت محترم پژوهشکده اسناد ممکن نمی‌شد به‌سبب همین یاری از همگی آنان سپاسگزارم. همچنین در روند تدوین این مجموعه از راهنمایی‌ها و روشنگری‌های جناب آقایان کاوه بیات، محمود طاهر احمدی و سید محمد حسین منظورالاجداد بهره‌مند بودم و سپاسگزار الطاف آنان هستم. چاپ این مجموعه بدون پیگیری جناب آقای محمد علی حق‌شناس انجام نمی‌شد از ایشان و همچنین کارشناس فعال انتشارات جناب آقای نصرت‌الله امیرآبادی تشکر می‌نمایم.

رضا آذری شهرضایی

[ترجمه سربرگ سند]: ع. نعیم - [شرکت] مشاوره، صادرات، نمایشگاه پارچه‌های ابریشمی، تولیدات جدید، پارچه‌های پشمی. [نشانی]: خیابان ترویز، شماره ۴۲، پاریس ۹.

به تاریخ ۸ آویل ۱۹۳۱.

وزارت جلیله دربار، بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه - طهران، به عرض حضرت اشرف ارفع اعظم عالی می‌رساند، این بنده یک نفر ایرانی و سالهاست مقیم فرانسه می‌باشم و همواره در نظر داشتم که حتی الامکان خدمتی به وطن مألوف کرده باشم؛ تا بالاخره نظر به تأسیس وزارت جلیله اقتصاد ملی، موقع را غنیمت شمرده، پروژه و نقشه [ای] راکه پس از تحقیقات و تفحصات کافی در نظر گرفته، مع کلیه اسناد مربوطه به آن راکه به دست آورده بودم با پست سفارشی از لحاظ مبارک آن وزارت جلیله ملی گذراندم. بدیهی است که یکی از عوامل مهمه در ترقی وطن همانا فلاح و زراعت است و برای انجام این مقصود چند چیز از مهمات می‌باشد:

۱- زارعین و فلاحین کاردان و آگاه به آخرین سیستم جدید.

۲- سرمایه معتابه.

۳- متخصصین.

تمام این محسنات در انجمن‌های بزرگ خیریه یهود جمع است و این انجمن‌های خیریه ابدأ مقصود سیاسی در نظر ندارند. تنها آمال و آرزوشان این است که همه کس در محلی مأمون به طور صلح و صفا امرار حیات نماید. بنابر این به عقیده حقیر هیچ‌گونه ضرر سیاسی برای مملکت متصور نیست. اینک سواد عین پروژه به انضمام سواد بعضی اسناد مربوطه به آن را تلواً از لحاظ مبارک حضرت اشرف ارفع اعظم عالی می‌گذرانم و عاجزانه تمنا* و درخواست می‌نماید که از نقطه نظر وطن‌پرستی آن را مورد توجه و دقت قرار داده تا هرگاه با

نظریات این اقل موافقت داشته و صلاح مملکت را بدانند، به موجب مقتضیات و منافع وطن مألوف مساعدت لازمه را در عملی کردن این نقشه مبذول فرمایند.

امر امری مطاع - با عرض و تقدیم احترامات فایقه - اقل عزیزالله نعیم [امضا]

COMMISSION - EXPORTATION - REPRÉSENTATION
SOIERIES - NOUVEAUTÉS - LAINAGES

BOUILLONNÈRE BROCHERIES
PARIS ET OBJETS D'ART
DE PENNE ET D'ORIENT

ANALINA
REG. COM. SEINE 227 209

37 - RUE DE L'ARCADE, PARIS 9^e

46, Prov 58-12

۴۰۲۱۴

تاریخ ۸ آوریل ۱۹۴۱

LE 19

وزارت مینا در بارندگان اعلی حضرت آندرس اهلین شاهنشاهی اردلان فدا - طهران
 بیوس حضرت شرف ارفع و طمحات بریدند این لایحه کتب نظر ایران رسال است بقیه فرستادیم و شماره در نظر فرستادیم که در لایحه کتب
 برین مألوف کرده باشم تا با توجه نظر آندرس وزارت مینا اقتصاد عملی را فایده بشود. پروژه نقش را که پس از تحقیقات
 و تفحصات کافی در نظر گرفته شد که برین لایحه با هم که است آورده بودیم با بقیه فرستادیم از لایحه ماک آن وزارت مینا است
 گذارند.
 بجز آنکه یک از عوامل مهم در ترقی وطن همانا خلافت وزارت است و در این امر این مقصد چند چیز از سمات می باشد:

۱) زراعت و فلاحت کار دان و آگاه باغیچین سیستم بود

۲) سرمایه معتنه به

۳) متخصصین

تیم این سمات در اینجهنم بزرگ نموده می شود. و این لایحه بر غیر ابعاد مقصود میسر در نظر ندارند. تنها در این لایحه
 نیست که آندرس در نظر این لایحه معنی و ابعاد حیات نوین - بنا بر این بقیه تغییر دیگری ضروری است در مملکت تصور
 نیست
 است که در این پروژه با تقسیم مواد بعضی بنده برین لایحه بنا بر این لایحه ماک در نظر وزارت ارفع و طمحات مینا گذارند
 و افراد تیم در صورت مشاهده که از نقطه نظر و طمحات برین لایحه بود توجه و وقت تمام داده تا آگاه با نظرات این اقل
 مراقبت در مملکت را بدانند بقیه مقتضیات و منافع وطن مألوف مساعدت لازمه را در عملی کردن این نقشه
 مبذول فرمایند. امر امری مطاع - با عرض و تقدیم احترامات فایقه

آقل عزیزالله نعیم

وزارت مینا و وزارت دربار پهلوی

تاریخ ۱۳۹۰

شماره ۱۳۹۰

طبقه ۱۳۹۰

[پیوست سند ۱]

طریقه معمور و آباد کردن اراضی خالصه در ایران

خوشبختانه به واسطه جدیات و فداکاری سرپرست جدید و مهربان، اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی، ایران چندی است داخل در شاهراه ترقی شده و گذشته از عملیات برجسته، پیوسته برای پیشرفت امور مهمه مملکتی، مؤسسات و دوائر عام المنفعه تشکیل می گردد؛ از جمله وزارت اقتصاد ملی که مخصوصاً قصد دارد در راه فلاح و زراعت مساعی جمیله مبذول دارد. مدتهاست عقیده اقل نگارنده این بوده که یکی از مهم ترین عوامل فلاح و نجاح کشور ایران همانا فلاح و زراعت است، و در این راه به قدر مقدور تحقیقات و تفحصات کافی به عمل آورده که آیا چگونه و به چه وسیله ممکن است این مسأله را از ناحیه امل و آرزو خارج و در دایره عمل و حقیقت درآورد؟ لکن* نه موقع مناسب و نه وسایلی برای عملیات در دست بود. اکنون در این عصر اعلیحضرت پهلوی که عصر ترقی اش می توان نامید، نه تنها موقع مناسب، بلکه وسایل عمل نیز موجود است. بناء علی هذا واجب، بل لازم است که وقت را غنیمت شمرده و بدون ذره [ای] تأمل در راه سعادت و برخورداری وطن مألوف جدی وافی و سعی کافی به خرج داده تا آب رفته به جوی باز آید و ایران مهد تمدن و عمرانیت، در حدود و ثغور فعلی خود، شکوه و عظمت و جلال و افتخار خود را مانند ایام کوروش کبیر به دست

* - اصل: لکن

آورد و نام ذات اقدیس همایونی به پاس خدمات برجسته با خطوط طلایی در برجسته‌ترین صفحات تاریخ معاصر رسم گردد. بدیهی است که اهمیت این عامل در ترقی وطن از خواطر اولیای امور وقت پوشیده نیست، لکن حقیر طریق نیل به مقصود و طرز عملی کردن آن را به‌طور خلاصه عرضه می‌دارد:

آیا این مسأله چگونه عملی خواهد شد؟ عملی کردن این نقشه بسیار سهل و فقط منوط به جلب توجه انجمن‌های بسیار بزرگ خیریه یهود در امریکا و اروپاست که هر سال میلیون‌ها تومان در سایر ممالک قابل استعمار خرج می‌نمایند و یهودی‌های اروپای شرقی از قبیل لهستان، رومانی، اتریش، مجارستان و غیره را که قصد فلاح و زراعت داشته باشند به امریکای جنوبی و غیره برده و در آن نقاط مشغول کار کشت و زرع می‌نمایند. سالهای متمادی است که در این امر اختصاص پیدا کرده و در معمور و آباد کردن اراضی قابل فلاح و زراعت تجربیات کافی به دست آورده‌اند. مخصوصاً برای مهاجرت، بیشتر اشخاصی را انتخاب می‌نمایند که استعداد و کفایت کارهای روستایی و دهقانی را داشته باشند. این انجمن‌های خیریه ابداً مقصود سیاسی در نظر ندارند؛ تنها آرزو و آمالشان این است که همه کس در رفاهیت و صلح و صفا در محلی مأمون امرار حیات نماید.

«استاتیستیک و شرح اقدامات خیرخواهانه و عملیات نوع پرورانه را که یکی از انجمن‌های بزرگ خیریه یهود در سایر ممالک از قبیل امریکای جنوبی و کانادا و غیره به‌عمل آورده‌اند در یک جلد مطبوع و اوراق جداگانه به‌طور ضمیمه، محض استحضار خواطر اولیای امور معروض و تقدیم می‌دارد.

چگونه می‌توان توجه انجمن‌های بزرگ خیریه یهود اروپا و امریکا را جلب نمود؟ مقدمتاً باید مزایای ایران را به آنان توضیح داد، به این معنی که ایران از هر حیث بر سایر ممالک قابل استعمار رجحان و برتری دارد و شرط اول، جلب توجه انجمن‌های بزرگ خیریه یهود، وضع قوانین راجع به آزادی و حریت عقاید و معتقدات و تساوی حقوق افراد مملکت است که در ایران نیز مانند سایر ممالک متمدنه، افراد ایرانی همین حقوق را دارا هستند. مساحت فعلی ایران یک میلیون [و] ششصد و پنجاه هزار کیلومتر مربع است و فقط دوازده میلیون جمعیت دارد، در صورتی که مملکت فرانسه که مساحتش تقریباً ثلث مساحت ایران است، چهل میلیون نفوس دارد. بنابراین ایران گنجایش چندین برابر ساکنین حالیه را دارد. ایران دارای آب و هوای خوب و فصول معینه سنواتی است. ایران دارای اراضی حاصلخیز

قابل فلاح و زراعت و غیره موجود می‌باشد، به‌طوری که به محض ورود، فلاحین و زارعین می‌توانند به‌موجب اصول و شیوه جدید فوراً شروع به شخم‌کاری و کشت و زرع نمایند و حتی نقاطی در ایران است که لازم به آبیاری ندارد. تخم را به‌طور دیمی افشاند و سر فصل درو می‌کنند. مخارج استعمار و مستقر داشتن دهقان و روستائیان در ایران به مراتب از سایر نقاط کمتر خواهد بود، به این جهت بر عده دهقانان و روستائیان می‌توان افزود.

نظر به مراتب معروضه و برای این که به سهولت بتوان توجه انجمن‌های بزرگ خیریه یهود را جلب نمود، پیشنهاد می‌نماید که قوانینی به مضامین ذیل از مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه بگذرد:

ماده اول - از جمله حقوق ابتدائی بشری آزادی و حریت عقاید و اعتقادات است. به مصداق نص صریح قرآن مجید «لا اکراه فی الدین» هیچ فردی از افراد در سرتاسر مملکت محروسه ایران من باب عقاید و معتقداتش مورد تعرض و لطمه احدی واقع نخواهد گشت و جان و مال همواره مصون و محفوظ است.

ماده دوم - حقوق کشوری و سیاسی ایرانیان بدون فرق نژاد و مذهب در مقابل قانون مساوی، از مزایای آن متمتع و بهره‌مند و وظایف آن را بدون استثنا باید انجام دهند.

ماده سوم - یکی از عوامل مهمه ترقی و تعالی مملکت ایران زراعت و فلاح است. هر زارع و فلاح و صنعتگر خارجی که قصد توطن در ایران را داشته باشد، پس از دو سال اقامت در مملکت می‌تواند تبعیت ایران را قبول و ورقه تبعیت به او تفویض خواهد شد.

ماده چهارم - دولت علیه ایران اراضی وسیعه قابل فلاح و زراعت خالصه را مجاناً الی‌الابد در تحت اختیار فلاحین و زارعین خارجی که قصد توطن در ایران را داشته باشند گذارده، تا خود به کشت و زرع آن پرداخته و در عمرانیاتش بکوشند.

الف - به هر فامیل سه الی پنج نفری و زیاده‌تر به فراخور حال هر یک، قطعه زمینی که قابل فلاح و زراعت و میوه‌کاری باشد الی‌الابد تفویض خواهد شد، به‌مقداری که محصولات سنواتی آن، معیشت و زندگانی آن‌ها را تکافو نماید تا پشت در پشت در آن زمین به کشت و زرع اشتغال یابند.

ب - تقسیم اراضی بین زارعین و فلاحین به‌موجب نظریات کمیسینی مرکب از چهار نفر خواهد بود که دو نفر آن را حکومت ایران (وزارت اقتصاد ملی) معین و دو نفر دیگر آن از طرف زارعین و فلاحین به‌ضرر مابینده نامزد خواهند شد.

کشت

به‌تازید خواهد گزارد. برای بیکارها و منتظرین خدمت؛ کار پیدا خواهد شد و پس از فراوانی کار و مشاغل، عموم بهره‌مند خواهند شد و عده بیکاران روز به‌روز نقصان خواهد یافت و به علاوه استحکام و استواری اقتصادیات ملی مملکتی فقط و فقط مبتنی بر محصولات کارهایی است که به‌توسط افراد به‌عمل می‌آید. اراضی فعلی که به واسطه لم یزرع ماندن چندان قیمتی ندارد، پس از حاصلخیز شدن، چندین برابر قیمت پیدا می‌کند. بدین طریق ثروت عمومی زیاد خواهد گشت، تجارت خارجی ایران که دائماً در نقصان است ترقی خواهد کرد؛ زیرا آنان محصولات ارضی و غیره ایران را به سلیقه بازارهای دنیا برای فروش حاضر خواهند کرد. همین مسأله موجب می‌شود که سیاحین زیاد از اروپا و امریکا به ایران آمده، پول خود را در آنجا خرج می‌نمایند، در نتیجه عموم ایرانی‌ها بهره‌مند و استفاده خواهد کرد و گذشته از آن هر چه عده مهاجر زیادتر باشد بر عده نفوس مملکت خواهد افزود و هر چه عده نفوس مملکتی زیاد باشد. قوه و نفوذ آن ملت به‌همان نسبت زیادتر است.

در خاتمه معروض می‌دارد هر آینه دولت علیه با نظریات حقیر موافقت دارند امر و مقرر فرمایند تا به فوریت با انجمن‌های خیریه یهود جداً داخل مذاکره شده و در متقاعد ساختن آنها جد و جهدی کافی به‌عمل آورد و کار هر چه زودتر شروع شود. برای هرگونه اطلاعات اضافی کاملاً در خدمات حاضر است.

امر امر مطاع - مترصد اوامر دولت علیه - اقل عزیزالله نعیم [امضا]

۱- اصل برای وزارت جلیله اقتصاد ملی.

۲- کیه، وزارت دربار، اعلیحضرت همایونی ارواحنا فدا.

۳- کیه، کابینه حضرت اشرف ریاست الوزرا.

۴- کیه، سفارت جلیله دولت شاهنشاهی ایران در پاریس.

ماده پنجم - هیچ زارع یا فلاح و یا اخلاف و اعقاب آنها حق ندارند که در تحت هیچ عنوانی، قطعه زمینی را که به آنها تفویض شده به شخص یا اشخاص و یا مجامع و غیره که تبعیت ایران را ندارند انتقال نموده و یا به آنها بفروشند.

ماده ششم - کلیه اراضی که به موجب مقررات (ماده سوم) بین زارعین و فلاحین تقسیم می‌شود از پرداخت هر مالیات و عوارض تا مدت ده سال معاف است.

ماده هفتم - ورود کلیه ماشین آلات و ادوات زراعتی و فلاحی و صنعتی از تأدیة حقوق گمرکی معاف است. کلیه ماشین آلات و ادوات زراعتی و فلاحی و صنعتی را دولت علیه در سال اول بدر و کود لازمه را مجاناً به فلاحین و زارعین اعطاء خواهد نمود.

ماده هشتم - قناس* دولت علیه ایران مقیمین خارجه به کلیه مهاجرینی که قصد توطن در ایران را داشته و می‌خواهند به شغل فلاح و زراعت اشتغال یابند، ویزای مجانی خواهند داد.

گرچه بعضی از مواد فوق‌الذکر قبلاً از تصویب مجلس شورای ملی گذشته، ولی لازم است در این طرح قانونی تذکری داده شود و برای جلب توجه اشخاص ذی‌علاقه، مجدداً از طرف مجلس شورای ملی تصریح گردد.

فرایدی که اجرای این طرح قانونی برای مملکت ایران دارد: اجرای این نقشه نه تنها حایز هیچ‌گونه خسران و ضرری نیست، بلکه از لحاظ سیاسی برای کشور ایران منافع عظیمه دربر دارد و از لحاظ اخلاقی بین‌المللی، مراتب و درجات اخلاقی ایران را در انظار ملل متمدنه به‌غایت ارجمند و عالی می‌گرداند. اراضی وسیع [ای] که در ایران لم یزرع و غیر حاصلخیز مانده، بدون ذره [ای] کوشش و پشیزی مصارف، معمور و آبادان می‌گردد. کوشش و مصارفی که در این راه لازم است، دولت به مصرف امور مهمه دیگر می‌رساند. مثلاً معارف را توسعه می‌دهد و وسایل حفظ الصحه عمومی را تکمیل می‌نماید و غیره. عواید دولتی پس از چندی بدون شک چندین برابر زیادتر خواهد گشت. لازم به توضیح نیست که کثرت عایدات دولتی بدون این‌که دیناری بر مالیات و تحمیلات کنونی اهالی و ساکنین افزوده شود، چه محسناتی دارد.

زارعین و فلاحین بومی سرمشق خوبی خواهند گرفت و محصولات مملکت روز به‌روز

پس می‌تواند
بهره‌مند شود
که در دنیا
از دربارت
تا نسبت ایران
کسانی که
سال در ایران
سرگشته
را در این
می‌تواند
بجای آن و این برای
نیم فروخته

کدام
کجا
سوار
سال

گزیده‌ای از کارنامه روزانه اطلاعاتی منتشره

آژانس تلگرافی یهود

(۲۹/۱/۳۱[۱۹]، جلد ۹، شماره ۲۴)*

دعوت یهودیان به بلغارستان

مصاحبه با آقای اومارشفسکی - نیویورک ۲۸ ژانویه (آژانس تلگرافی یهود) در مصاحبه‌ای با نماینده آژانس تلگرافی یهود، آقای استویان اومارشفسکی، وزیر سابق آموزش و پرورش بلغارستان و نماینده پارلمان بلغارستان از شانزده سال پیش تا کنون، اعلام کرد: ملت فقیر، ولی امیدوار بلغار، در حالی که از پیامدهای جنگ جهانی که در طول آن با کشورهای شکست خورده متحد بود، رنج می‌برد، و محکوم به حمل بار بسیار سنگین جبران خسارت ناشی از جنگ شده است. بدین سبب از یهودیان فقیر و ستم‌دیده لهستان و رومانی دعوت می‌کند تا به بلغارستان آمده و این ملت را در جهت ساختن کشوری مرفه و پیشرفته یاری نمایند. آقای «استویان اومارشفسکی» عضو کمیته بلغاری طرفدار فلسطین است و به تازگی به دعوت «انستیتو گارنگی» به آمریکا رفته است تا در آن جا روش‌های تربیتی آمریکایی را بررسی نماید. آقای «اومارشفسکی»، در طول مدت اقامت چندین ماهه خود در آمریکا، دائماً با کمیته‌های یهودی آمریکا در تماس خواهد بود.

آقای اس. اومارشفسکی اعلام کرد: «ما در بلغارستان از آفت ضد یهود (آنتی‌سیمیتسم) که در حال حاضر در تمام اروپا بیداد می‌کند در رنج نیستیم.» ما به ۵۰۰۰۰ یهودی کشورمان برابری آزادی کامل را اعطا می‌کنیم. ما به سیستم مدارس عبری که سرمایه آن توسط دولت

* - این سند به خط و زبان فرانسه است. از دوست عزیزم آقای محمدرضا رادنژاد برای ترجمه این سند سپاسگزارم.

تأمین شده، افتخار می‌کنیم و آماده پذیرش یهودیان دیگری هستیم و می‌دانیم که فعالیت‌های آنان به ما یاری خواهد کرد تا در کشورمان که کشوری کشاورزی است، صنعت نساجی را گسترش دهیم، زیرا یهودیان در زمینه این صنعت توانایی‌های خود را به اثبات رسانیده‌اند. ما هیچ شرط خاصی را تعیین نمی‌کنیم. یهودیان اروپای شرقی به بلغارستان مهاجرت کنند و هر نوع حرفه قانونی را که می‌خواهند در پیش گیرند ما امنیت، آزادی مذهب و استقلال فرهنگی‌شان را تضمین می‌کنیم. بلغارستان همواره نسبت به پناهندگانی که با آزار و اذیت از کشورشان رانده شده‌اند با مهربانی و روی باز برخورد می‌کند. پس از جنگ حدود سیصد هزار روس و پناهندگانی از سایر کشورها به بلغارستان آمده‌اند. علیرغم این‌که به دلیل کاهش قیمت گندم که کشاورزان ما تا حد زیادی به آن وابسته‌اند، با بحران شدیدی مواجه هستیم مهاجران در کشور ما آسان‌تر از سایر کشورها می‌توانند امرار معاش نمایند. ما پوشاک را از خارج وارد می‌کنیم و سرمایه و کار یهودیان می‌تواند به راحتی و به‌طور سودمند صنعت نساجی را برای تهیه پوشاک مردم ما ایجاد نماید. اکثر یهودیانی که اکنون در بلغارستان زندگی می‌کنند، مرفه و با فرهنگ هستند و به حرفه‌ها و تخصص‌ها مشغولند و همچنین در امور دولتی سهم می‌باشند. این موضوع حقیقت دارد که در سال ۱۹۲۴ دانشجویان سعی کردند تا جنبشی بر علیه یهودیان پدید آورند، اما هیچ موفقیتی در این امر حاصل نکردند. بلغارها ملتی هوشیار، انعطاف‌پذیر و آگاهند و برخورد سخاوتمندانه‌ای با اقلیت‌های ملی دارند. چند سال پیش از این، «پروفسور راسل» از دانشگاه کلمبیا، پس از مطالعه سیستم آموزشی مدارس در بلغارستان اعلام کرده بود که اقلیت‌ها در زمینه آموزش و پرورش از آزادی بیشتری نسبت به سایر کشورها برخوردارند.

گزیده‌ای از بولتن اطلاعاتی منتشره آژانس تلگرافی یهود

(جلد ۹ - شماره ۳۰ - [به تاریخ ۱۹۱۳/۲/۵])

ژنرال اوری بورو، رئیس جمهور آرژانتین از فعالیت پر اهمیت جمعیت عمرانی یهود سخن می‌گوید:

مطبوعات آرژانتین شرح مصاحبه رئیس جمهور جدید آرژانتین، ژنرال اوری بورو با مدیر Jewish Colonisation association در بوئیس آیرس، آقای سایمون ویل را منتشر می‌کند. این جلسه بسیار صمیمانه برگزار شد. رئیس جمهور به هیأت نمایندگی این جمعیت اعلام کرد که کاملاً در جریان فعالیت‌های مهم J.C.A. در زمینه استقرار یهودیان در آرژانتین قرار دارد و از ارزش واقعی این امر آگاه است. وی اعلام کرد که به طرح‌های این جمعیت علاقه بسیاری دارد و از فهمیدن این مطلب که این جمعیت آمادگی دارد تا فعالیت خود را باز هم گسترش دهد ابراز خشنودی فراوان کرد. وی تأیید کرد که J.C.A. از اعتماد کامل دولت بهره‌مند است. او همچنین از خیر ورود خانواده‌های متعدد کشاورز از چکسلواکی به بلغارستان ابراز علاقه خاصی نمود و از این که دولت آرژانتین نمونه جامعه بخش‌های یهودی نشین را سرمشق خود قرار نداده، ابراز تأسف کرد. در جریان این دیدار که در طول آن از اوضاع کلی یهودیان در کشور گفتگو شد. ژنرال اوری بورو آگاهی کامل خود را از تلاش پرثمری که هم‌کیشان ما در زندگی اقتصادی آرژانتین به انجام رسانیده‌اند، ابراز کرد. رئیس جمهور با بیان این مطالب به آقای سایمون ویل، او را مأمور کرد تا پیام آرزوی موفقیت برای این جمعیت را از طرف وی به مدیریت کل J.C.A. برساند.

فعالیت Jewish Colonisation association در

امریکا و در کانادا

در امریکا، امر استقرار یهودیان توسط جامعه کشاورزی یهود اداره و هدایت می‌شود که خود توسط J.C.A. ایجاد گردیده و ۳۰ سال از تأسیس آن می‌گذرد. فعالیت جمعیت J.C.A. دادن وام به یهودیان مستقر در آن‌جا، شرکت‌های کشاورزی و سایر شرکت‌های بازرگانی که با کشاورزی در ارتباط هستند، می‌باشد. در طول ۳۰ سال اخیر این جمعیت ۹۸۶۴ فقره وام کشاورزی به مبلغ کلی ۶,۳۱۰,۳۰۴ دلار اعطا کرده است. در سال ۱۹۲۹ این جمعیت ۱۲۴۶ درخواست برای استقرار در مزارع دریافت کرده است. به علاوه در مراتع ۴۳۲ جوان را به عنوان کارگر زراعی مستقر ساخته است.

در کانادا، برداشت نامناسب و شرایط نامناسب بازار جهانی بازتابی منفی بر روی «کلی‌های یهودی» داشته است... با این حال فعالیت J.C.A. ادامه دارد. در طول ۲۲ سال این جمعیت به یهودیان این مناطق، ۲۴۵۷ فقره وام به ارزش کلی ۶۸۵۶۲۵ دلار اعطا کرده است. ۳۴ خانواده جدید در کُلنی‌ها [شهرک‌های یهودی‌نشین] مستقر شده‌اند و این در حالی است که تعداد مهاجران به کشور ۳۶۸۷ نفر بوده است. این گزارش در مورد امریکا، این موضوع را مشخص می‌سازد که امکانات استقرار یهودیان در امریکای جنوبی بسیار وسیع‌تر از امریکای شمالی بوده است. پس بهتر است که تلاش‌ها را بر روی جمهوری‌های امریکای لاتین متمرکز شوند.

در فلسطین

...بی‌شک، کلی‌های متعدد P.J.C.A. که در کشور بالاترین تولید را دارند، در وضعیت شکوفایی قرار دارند. باغ‌های مرکبات، تاکستان، باغ‌های بادام و زیتون به نحو قابل ملاحظه‌ای در حال توسعه هستند.

در روسیه و در لهستان

تلاشهای J.C.A. به ویژه در اروپای شرقی تثبیت شده است. در اتحاد جماهیر شوروی این جمعیت به کُلنی های قدیمی اُکراین کمک کرده و در حال حاضر در عملیات عظیم استقرار یهودیان مشارکت می کند.

در کُلنی های قدیمی (در مجموع ۳۶ عدد هستند)، ۵۵۷۸۴ هکتار زمین به زیر کشت برده است، ولی آخرین برداشت آنان کافی نبوده است. به همین خاطر J.C.A. تصمیم گرفته تا به پرورش انگور (۱۲۴ هکتار) و صنایع شیر و فرآورده های آن اولویت دهد، چرا که پیشرفت های بزرگی در این زمینه صورت گرفته است. ۱۸ واحد پنیرگیری و کره گیری به طور مرتب در حال کار هستند. در طول سال اخیر (۱۹۳۰) از ۶۲۷۵۲۷۲ کیلوگرم شیر ۳۲۵۳۳۷ کیلوگرم پنیر و ۶۹۶۱۶ کیلوگرم کره به دست آورده اند. در نمایشگاه های کشاورزی در اُکراین، کُلنی های یهودی مقام دوم و دو نشان افتخار برای سازماندهی خوب و بهینه سازی در فعالیتشان کسب کرده اند. اما در مورد آنچه که فعالیت جدید استقرار یهودیان در مناطق گولای - پوله و نکوپل مربوط می شود، این فعالیت پیشرفت قابل ملاحظه ای کرده است. ۵۵ کُلنی جدید تأسیس شده که ۵۰۶۷۶ هکتار زمین در اختیار دارند و تاکنون ۲۳۶۲ خانواده در آن مستقر شده اند. علیرغم مشکلات این فعالیت، عملیات استقرار با سرعت انجام می پذیرد، چرا که ۲۱۰۰ خانه مسکونی، ۲۵ مدرسه، ۵ حمام عمومی، ۵ واحد پنیرگیری و ۴ ساختمان تعاونی تاکنون احداث شده است. حکومت شوروی فعالیت های کشاورزی دست جمعی را تشویق می کند. ۵۴ مجمع [کشاورزی] از این نوع در کُلنی های J.C.A. ایجاد شده که ۱۱۰۴ خانواده به آن پیوسته اند و کار بر روی ۱۷۲۱۱ هکتار زمین را برعهده گرفته اند و با احتساب سایر زمین ها که توسط حکومت اعطاء شده، مساحت کل زمینهای مورد بهره برداری جمعیت های یهودی، به ۵۰۰۰۰ هکتار بالغ می شود. باید اضافه کرد که تراکتورها، علی الخصوص در این بهره برداری های دسته جمعی مورد استفاده قرار می گیرند و زمین های وسیع این مناطق آماده تحول هستند. در ۴۵ کُلنی به طور فعال و مستمر به صنعت پرداخته شده است و بدین منظور چندین ساختمان احداث گردیده است. تاکنون نیز در حال ترقی چشمگیری هستند. پایه های انگور از فرانسه وارد شده است. همچنین باید به تأسیس ۵۰ شرکت تعاونی تولید و کلاس های آموزش کشاورزی، برای جمعیت های جدید استقرار یافته اشاره کرد، زیرا که در میان آنان فقط ۲۹۳ کشاورز حرفه ای وجود داشته است. سایرین از میان صنعتگران ۵۴۰ [نفر]،

کارگران ۳۱۷ [نفر]، گاریچی ها ۱۲۴ [نفر]، کارمند ۷۸۴ [نفر]، فروشنده ۶۴۴ [نفر] و غیره انتخاب شده بودند. با نگاهی اجمالی بر فعالیت J.C.A. در زمینه کشاورزی در روسیه شوروی متوجه می شویم که این جمعیت در مجموع ۹۱ کُلنی یهودی را تحت سرپرستی خود دارد که این ۹۱ کُلنی از ۹۹۶۹ خانواده یهودی تشکیل شده و ۱۶۱۲۷۲ هکتار زمین در اختیار دارد. نتیجه ای که انکار اهمیت آن بیهوده است.

ولی فعالیت J.C.A. در روسیه به این جا ختم نمی شود.

(۲۴۰۰۶۳۶۶)

۱۱۴۵۱۰۶

۲

وزارت امور خارجه - اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه - نمره ۲۶۶۵۴ تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۱۰ - ضمیمه ۲

ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی - در جواب نمره ۷۱۲۲، مورخه ۵ ماه جاری، اینک عین عریضه آلمانی را با ترجمه آن تولا اعاده می دهد.

حسنعلی غفاری [امضا]

[مهر] وزارت خارجه

[حاشیه ۱]: به عرض می رسد.

[حاشیه ۲]: کابینه محترم ریاست وزرا ۱۰/۹/۱۳ [۱۳]

[حاشیه ۳]: تصدیق مؤسسه را بفرستند و اینکه چه می گرفتند شاید مبلغ بدست آمد.

[۱۳] ۱۰/۱۰/۲۲

(۴۶۳۷)

۱۰۲۰۱۶

۳
مخبره در فرانسه

وزارت امور خارجه - اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

به خاک پای اعلیحضرت شاهنشاه همایونی - دو نفر جوان آلمانی از اعلیحضرت شاهنشاه همایونی استدعا دارند که در ایران استخدام شوند.

دو برادر هستیم به سن ۲۶ و ۲۰ سالگی و شغلمان سوار کردن قسمت‌های ماشین است. در بزرگترین مؤسسات الکتریکی کار می‌کردیم و به علت کمی سفارشات و در اثر بدی اوضاع اقتصادی در آلمان از کار اخراج شدیم و فعلاً شغل نداریم و البته اعلیحضرت همایونی توجه می‌فرمایند که زندگانی بدون داشتن کار چقدر دشوار است. متخصصین جوان امروز عموماً بیکار هستند و چون فقر و بدبختی در آلمان حد و حصری ندارد، تصور پیدا کردن کاری هم هیچ نمی‌رود. با کمال غلامی و بندگی از اعلیحضرت شاهنشاه همایونی استدعا داریم که به غلامان کمک فرموده، شغلی در ایران تفویض فرمایند، سپس کلیه قوا و اقدامات خود را در راه خدمت به ایران مصروف خواهیم داشت و از هر حیث خود را سپاسگزار معرفی خواهیم نمود. به امید آن که اعلیحضرت همایونی به غلامان کمک خواهند فرمود و به انتظار جواب.

والتر ویزه، از بیلفلد

(۴۶۳۷)

۱۰۲۰۱۶

۴

دارالترجمه وزارت امور خارجه

به خاک پای اعلیحضرت شاهنشاه همایونی - آیا ممکن است برای یک صنعتگر قابل در ایران کار پیدا شود؟ چاکر تبعه آلمان است و در سال ۱۹۰۲ تولد یافته، سالهای متمادی در کارخانجات مختلفه در قسمت ماشین سوار کردن و غیره اشتغال داشتیم و چون چاکر همیشه در نظر داشت وارد یک شغل مستقل باشد، در ۱۹۲۷ دکانی باز کرد [م] و در سال اول رونقی

داشت، ولی در اثر بحران عمومی متضرر شدم و اشغال این نواحی توسط دولت فرانسه بیشتر مانع پیشرفت کار بود. در مؤسسات بلدی و دولتی از قبیل: کارخانجات آب و گاز کار می‌کردیم و چون برای ایام پیری و غیره باید تحصیل کرد، همیشه در پی کار هستم و بدین جهت از اعلیحضرت همایونی استرحاماً سؤال می‌نمایم که آیا ممکن است در ایران به کمک اعلیحضرت همایونی کار پیدا نمود؟ محض ماجراجویی نیستم، بلکه طالب کار و عمل می‌باشم. به امید این که جواب مساعدی برسد.

غلام: اروین بیلر

[حاشیه ۱]: ممکن است. ۱۳/۱۰/۱۰/۲۲

[حاشیه ۲]: به عرض می‌رسد.

[حاشیه ۳]: ضبط شود. ۱۳/۱۱/۳/۱۶

[حاشیه ۴]: کابینه محترم ریاست وزرا ۱۳/۱۱/۹/۲۱

(۴۶۳۷)

۱۰۲۰۱۶

۵

[ریاست وزرا به اروین بیلر ۱۹۳۱]* ۱۳

آقای اروین بیلر - با تایید دریافت نامه شما به تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۳۱ محترمانه به شما اعلام می‌شود که در حال حاضر امکان اشتغال جناب عالی موجود نیست.

با احترامات فائده

آقای اروین بیلر - استراسبورگ، لینگولشین - خیابان مارشال فوش - شماره ۲۵

(۴۶۳۷)

۱۰۲۰۱۶

* - این سند و سند بعدی به خط و زبان آلمانی است. از دوست عزیزم آقای حسین کدخدازاده برای ترجمه این اسناد سپاسگزارم.

۶

[ریاست وزرا به آلفرد و والتر ویزه ۱۹۳۱]

آقای آلفرد و والتر ویزه - درباره نامه شما در تاریخ ۴ اکتبر امسال،* محترمانه از شما تقاضا می شود مدارک و گواهی ها و احياناً مبلغ حقوق ماهیانه خود را ارسال دارید که بدین وسیله در صورت لزوم بتوان به آنها رجوع کرد.

با احترامات فائقه

آقای آلفرد و والتر ویزه - بیلفلد (وستف) - زیکروال ۱

(۴۶۳۷)

۱۰۲۰۱۶

۷

وزارت داخله - سواد مراسله سفارت شاهنشاهی ایران [در] برلن نمرة (۳۹۳) ۲۰ خرداد ۱۳۱۲

اداره محترم کل صحیه مملکتی - بر اثر تضییقاتی که نسبت به طایفه یهود در آلمان معمول می دارند، عده [ای] از اطبای آلمان به خارجه جلای وطن نموده و چند نفری در نظر دارند به ایران بیایند. در این باب راپرت هائی به وزارت جلیله معارف و وزارت جلیله امور خارجه تقدیم و عقیده موافق خود را با ادله لازمه بیان نموده ام. از جمله اطبای مزبور Dr. Frankel است، مشارالیه مرد محترم و معتبری است و مقام مهمی در آلمان دارد، هم طیب معروفی است و هم متخصص در اشعه رونتکن و صاحب کشفیات و تحقیقات جدید، در طرز معالجه سرطان و سل و امراض معدوی و زنانه، به وسیله اشعه مزبور. ضمائم که شامل شرح احوال و رنوس تحقیقات و تصدیق نامه های راجع به آنها می باشد، دلالت بر اهمیت مقام

ایشان می کند. عکس دیپلم و جواز طبابت او و همچنین سواد مراسله [ای] که به این جانب نوشته نیز ضمیمه می باشد. تقاضای او این است که برای تصدی قسمت رونتکن یکی از مریض خانه های دولتی استخدام و دعوت شود. کلیه اسباب و لوازم کار را هم همراه خواهد داشت و شاید با حقوق کمی حاضر به این خدمت گردد.

به عقیده بنده از هر حیث مناسب و بلکه لازم است با تقاضای او مساعدت به عمل آید، چه هم مریض خانه و صحیه مملکت از وجود چنین متخصص معروفی در ایران بهره مند می گردد و هم اسباب و ادوات کامل جدیدی بلاعوض و به خرج دیگری وارد ایران خواهد شد. علی ای حال متمنی است نظریات آن اداره محترم را فوری اشعار و در صورت منفی، اوراق ضمیمه را اعاده فرمایند.

محل امضای سفیر شاهنشاهی* - عیسی - سواد مطابق اصل است. نام آور ۱۲/۴/۷ [۱۳].

[حاشیه]: سواد مطابق با سواد مصدق است.

[امضا ناخوانا]

(۴۶۳۷)

۱۰۲۰۱۶

وزارت داخله - نمرة ۸۳۶۲ - مورخه ۱۲/۵/۳ [۱۳] - محرمانه.

مقام محترم وزارت جلیله داخله - در تعقیب نمرة (۶۵۵۵/۲۲۵۲) ۱۲/۴/۷ [۱۳] اینک شرح دیگری [ای] از دکتر میسن نام، که خود را طیب رادیولوژیست و دارای دستگاه کامل رنتکن معرفی نموده به صحیه کل واصل شده. صحیه کل نظر به احتیاج مبرمی که کلیه ولایات و ایالات به دستگاه رنتکن و رادیولوژیست دارد، معتقد است در صورتی که هیأت محترم

* - سفیر ایران در برلن در این هنگام عنایت الله سیمی بود. از بهمن ۱۳۱۰ تا آذر ۱۳۱۲.

* - منظور سال ۱۹۳۱ م. است.

۱۹۳۷

دولت اجازه و تسهیلی در موضوع ورود دستگاه‌های مذکوره فراهم فرمایند، در این موقع بدون این که پولی از مملکت خارج شود می‌توان از وجود این اطباء متخصص یهودی مهاجر از آلمان که هنوز نقطه [ای] را برای توقف خود انتخاب ننموده‌اند با کمال سهولت استفاده نمود و ممکن است در صورت موافقت هیأت دولت به وسیله سفارت شاهنشاهی در پاریس و برلن، برای اجازه ورود اطباء مذکوره و اثاثیه و لوازم فنی آنها، شرایطی با آنها قرار داد که هم با قیمت‌های خیلی مناسب اهالی ولایات به‌طور آزادانه از آنها و آلات طبیبیه و فنی آنها و هم مریضخانه‌ها به‌طور مجانی یا با حق الزحمهٔ قلیل استفاده کنند. متعنی است چنانچه قبلاً هم تقاضا شده در این خصوص نظریهٔ هیأت محترم دولت را جلب، صحیحهٔ کل را مستحضر فرمایند که تکلیف جواب تقاضاهای واصله معلوم شود.

رئیس صحیحهٔ کل مملکتی

[حاشیه: سواد مطابق اصل است | امضا ناخوانا]

(۴۶۳۷)
۱۰۲۰۱۶

وزارت داخله - نمره ۱۷۷۵۵ - مورخه ۱۳/۱۲/۱۳ [۱۳]

مقام محترم وزارت جلیلهٔ داخله - معطوفاً به مرقومهٔ نمره (۱۴۰۰۵) [به تاریخ] ۱۳/۱۲/۱۳ [۱۳] دکتر میشل (Dr. Michel) ضمن ارسال سواد مدارک علمی در تقاضای ارسالی خود را به شرح ذیل معرفی نموده است که طبیبی است متخصص در رتکین (ریون ایکس) نژاداً یهودی و در آلمان بوده و فعلاً مقیم پاریس و زبان فرانسه و انگلیسی می‌داند و اکنستالسیون کامل ریون ایکس دارد. دمل‌های سرطانی و امراض داخلی را معالجه می‌نماید، می‌خواهد به مملکتی که بیشتر به کار او احتیاج باشد، برود؛ لوازم و اثاثیهٔ فنی خود را حمل نماید و اکنستالسیون ایجاد نماید. مقصود صحیحهٔ کل این نبوده است که این شخص بخصوص

جلب شود. بلکه منظور این است. چون مملکت احتیاج به متخصصین کامل و ماشین‌های لازمه دارد و این نوع اشخاص هم فعلاً حاضرند، ماشین‌آلات فنی و علمی خود را به مملکت بیاورند؛ بدون این که پولی در مقابل خرج بشود. اصولاً در مقابل این گونه تقاضاها، نظر هیأت محترم دولت معلوم شود که جواب قطعی به تقاضاکنندگان بتوان داد. فعلاً یک نفر دیگر که موسوم به فرانکه است و سفارت شاهنشاهی برلن او را معرفی کرده بود، اجازه فرموده‌اند بیاید. اقدام و جواب قبول به سفارت شاهنشاهی داده شده، ممکن است تأمل شود که نتیجهٔ تقاضای دکتر فرانکه معلوم شود تا بعداً نسبت به تقاضاکنندگان دیگر اظهار نظر فرمایند. ممکن است هویت دکتر میشل را هم به وسیله سفارت محترم ایران در پاریس امر به تحقیق و استعمال فرمایند.

رئیس صحیحهٔ کل مملکتی

[حاشیه: سواد مطابق اصل است. | امضا ناخوانا]

(۴۶۳۷)
۱۰۲۰۱۶

وزارت داخله - ادارهٔ انتخابات و امور بلدی و صحتی - به تاریخ ۱۳۱۲/۶/۲۲ - نمره ۱۵۴۲۵

مقام منبع ریاست وزرا دامت شوکت - بر اثر مرقومهٔ مطاعهٔ نمره (۳۵۱۹) راجع به معرفی کامل دکتر میشل به ادارهٔ کل صحیحیه مراجعه و مراتب استعمال شده بود. اینک جوابی رسیده و توضیحاتی نسبت به هویت او داده شده است که سواد آن تلواً تقدیم و استدعا می‌شود به‌طور کلی تکلیف قطعی صحیحهٔ کل را در موارد این قبیل تقاضاها و اجازه دادن به این اشخاص از حیث احتیاج عمومی به متخصصین کامل و اسباب‌های لازمه از طرف هیأت محترم دولت معین و ابلاغ فرمایند.

علی اصغر زرین کفش [امضا]

[مهر] وزارت داخله

[حاشیه]: به وزارت داخله نوشته شده اقدامات لازمه را مستقیماً بکنند و نتیجه را اطلاع بدهند، منظور اقداماتی است که صحت کل مملکتی لازم می‌داند. [۱۳۱۲/۶/۲۷]

(۶۶۵۷)

۱۰۲۰۱۶

وزارت امور خارجه - سواد راپرت سفارت شاهنشاهی مقیم بروکسل * - نمره (۸۲۴) - ۲۱ مهرماه

۱۳۱۲

وزارت جلیله امور خارجه - از سیاست ضدیهود آلمانی خیلی از ممالک استفاده‌هایی کرده‌اند، جز ما. ترکیه با آن که دو مدرسه طب نظامی و کشوری قدیمی دارد و خیلی قبل از ما شروع به اعزام محصل به اروپا نموده و با جمعیت کمش، دارای اطبای زیادی است و فقر و بی‌پولی هم به شدت غیرقابل وصفی در آن مملکت حکمفرماست، تا به حال پنجاه نفر از معاریف اطبای یهود را استخدام نموده؛ همچنین ممالک بالکان هم هر کدام به فراخور استعداد خود اشخاصی را از آلمان به شرایط مناسبی برده‌اند. بنده از روز اول راپرت‌های مفصل در این باب دادم و خواستم عده [ای] را بدون خرج به ایران روانه نمایم. متأسفانه پس از مدتی از وزارت جلیله معارف اطلاع داده‌اند که با مهاجرت اطبا به ایران کمک نشود، زیرا قانون جدیدی در دست تهیه است که حق طبابت خارجی را محدود می‌کند. ظاهراً شور اول قانون مزبور تمام شده و دو شرط برای طبابت اطبای خارجی قائل شده‌اند: یکی آن که اقلاً پنج سال در مملکت خود طبابت کرده باشند. دوم آن که محل طبابت آنها در ایران بسته به تشخیص و انتخاب صحت کل مملکتی خواهد بود. شرط اول بسیار بجا و شاید می‌بود که به جای پنج، هفت سال مقرر می‌داشتند؛ ولی شرط دوم به نظر بنده مضر به حال مملکت است و در حقیقت حکم منع ورود اطبای خارجی را دارد، زیرا هیچ طبیب خوبی که مطلع به این

سور
بوی
است
بوی
بوی

* - سفیر ایران در بروکسل در این هنگام حسنعلی غفاری بود. از اردیبهشت ۱۳۱۲ تا بهمن ۱۳۱۵.

قانون باشد، آتیه خویش را تابع مجهول نمی‌کند و یقین خواهند داشت که منافع خصوصی و نفوذ اطبای محلی آنان را به نقاط نامساعدی پرت خواهد کرد، مگر آن که اشخاص و اخورده و بی‌استعدادی باشند که جز مسافرت به ایران چاره نبینند. بنابراین می‌توان گفت که برخلاف نظر مقنن، قانون مزبور بیشتر اطبای ناصالح را به مملکت جلب خواهد کرد.

وزارت جلیله داخله، بدو می‌بایست محرز نمایند که آیا اساساً مملکت محتاج به طبیب هست یا خیر، در صورت اول البته باید ورود اطبا را تشویق و در صورت دوم محدود نمود. در اروپا که تنظیفات و حفظ الصحة عمومی خیلی بسط یافته و اطلاع و سبک زندگانی مردم خود مانع بروز و شیوع امراض است؛ صرف نظر از دندانساز و قابله و پرستار، برای هر ششصد نفر یک طبیب لازم می‌شمارند. آلمان با آن که اطبای زیادی از طایفه یهود را اخراج کرده فعلاً دارای ۵۰/۰۰۰ طبیب می‌باشد، به عبارت آخری هر هزار و دویست نفر جمعیت یک طبیب دارد. با این حال مدرسه طب همیشه غرق شاگرد است و کمتر طبیبی است که نتواند معیشت خود را تأمین نماید. اما در ایران اگر تمام اطبا و دندانسازهای دیلمه مملکت را در نظر بگیریم، قطعاً عده آنها به هزار نفر نمی‌رسد و به این حساب برای هر پانزده هزار [نفر] جمعیت، یک طبیب هم نداریم و حال آن که احتیاج ما به طبیب با وضع صحی مملکت و سبک زندگانی مردم، شاید بیشتر از ممالک اروپا باشد؛ به علاوه مدرسه طب صحیحی هم نداریم که اقلاً سالی یک صد نفر طبیب مطلع بیرون بدهد؛ پس در واقع قانون اخیر مفید به حال یک عده اطبای طهران و مضر به حال مملکت و مردم است.

صحت کل مملکتی همیشه برای اعزام طبیب به ولایات دچار اشکال بوده و هر قدر حقوق می‌داده کسی حاضر به ترک طهران نمی‌شده، شاید از این نظر تصور کرده‌اند چنانچه به اطبای خارجی اجازه طبابت در مرکز ندهند ناچار به اقامت در ولایات خواهند شد، ولی تدبیر مزبور چنین مقصودی را قطعاً تأمین نمی‌کند، زیرا از وحشت چنین قانونی طبیب مجرب خارجی به ایران نخواهد آمد تا در ولایات سکنی اختیار کند و بالاخره راه ساده و طبیعی نیل به مقصود اینست که بر عده اطبای طهران افزوده شود تا در نتیجه رقابت تأمین معاش بر عده [ای] مشکل و مجبور شوند به خارج بروند و هر اندازه که این مسأله بیشتر قوت بگیرد طبعاً در اطراف زیادتر طبیب پیدا خواهد شد. علت آن که کسی به ولایات نمی‌رود اینست که در مرکز می‌توانند تأمین معاش نمایند، هر وقت این علت مرتفع گردید اثر آن هم رفع و شهرهای کوچک دارای طبیب خواهند شد.